۱۱۵

کرده در شرح خویش این یقین
نکند جهر آنقدر اما
خلل این ذکر کرد شمس الدین
فاتحه خواند یا ز بعض این
فاتحه جاهرا اعاده باد
مابقی قرات او دا اند
ترک کردید فاتحه خوان
ترک شد و زد در اول
در هدایه چنین بود یقین
بس بقول صحیح باشد
قول یعقوب بر خلاف آن
در فرایض و واجبات نماز
با سه آیت قصیر شد هم
گوی اکنون از مستحب آن
یعنی در فجر هم اگر باشد
در سوی فجر از رسول خدا
در سوی سوره قصیر او را
آنکه اندر محل امن قرار
چون قرات کند با و بسیار
یعنی از غیر فاتحه ای شاه
از چهل آیت تا شصت

جهر سازد امام آنچنان
یعنی بر فوق حاجت آنها
منفرد در نماز جهر کرده است
اقتدا کرد دیگری یعنی
در قنیه نوشته اند جمال
گفت آنکس بلند میخواند
فاتحه را در آخر عشا
می بخواند ز بعد فاتحه بل
وجه بسیار گفت و گر
جهر سازد بفاتحه همراه
آنچه فرض است و جهر آن
شد مفصل نگفتم اینجا باز
فرض و واجب تمام کرد حرف
در هدایه چنین کند تعیین
سوره فاتحه که میخواند
کرد با و معوفتیس ادا
آنکه گفتیم باشد انشا
بوده باشد اگر قرات بار
آنکه باشد مقیم بهر اجر
چهل آیت بگفت یا پنجاه
نیز از شصت تا صد است جز

که بقدر سماع مقتدیان
فوق حاجت بود اباحت نیز
کرده بود اختیار خواند است
در کتاب خلاصه سازد یاد
اقتدا کرد بعد از آن رجال
از کسی در دو او خفتی
بدرستی نمیکند قضا
جهر سازد امام بعد از آن
کرد کس زد قضای سوره اگر
یعنی قول محمد نعمان
یعنی اندر نماز خوف اند آن
سوره با فاتحه که کرد ختم
هم نمیاید از آیه خلاف
بس همان کس که در سفر باشد
با نهر سوره از دو خواند
بس ازین فعل حضرت معلا
باشد آنکس بعجلت اندر راه
گفت چون سوره بروج اگر
خواند آن شخص در دو رکعت
نیز از غیر این روایت است
بر همین جمله وارد است اگر

الخ

۶ سوره ۲

خواندن

الخ صاحب هدایه آورده
کاهلان را نوشته اند جنان
قول دیگر نظر کنند از آن
نکند با وی اثر سعت جلی
در صلوة فقیه مسعود
مثل اصحاب سوره بقره
سوره را تا بسایند یا بخ
بعد ازین پشت بار کوع زیاد
این بجا ربود که قوم ای
خواند از انجنین ملال بود
این نه یعنی که جور رسول الله
تا که بشنود ذکر نه طفلی
خواند اینجا خود ذلیم نبی
در خور حال ضعف اقوام
جونکه وقت هست وسعت دور
یعنی در ظهر قول آن با حجر
سخن مختصر بود به یقظن
نیز در ظهر هشت باشد او
نیز بشنو که قول مختصر است
کرد با سوره بروج آیات
بعد ازین سوره هست تا آخر

وجه توفیقا چنین کرده
باشد او خطا حال آدمیان
بدر از زی لیل که آن
آنچه دار این هدایه نقل است
یار غار رسول معبود است
نیز از بامداد هست خبر
یعنی اینکه وقت ای آشفتی
گشت معلوم سوره های دراز
رغبا شند هم قوی حالان
در خور ضعف جماعت خویش
می بخواند نماز فجر آن
گشت معلوم اشفق است
بهر آن گریه که کرد صبی
در هدایه چو فجر و خویش
که مساوات بنجله ثابت
جونکه در وقت ظهر است اشتغال
در عصر آنچه هست مستحسن
با داوشاد و عشا عصر
این طوال مفصل ای قدم
انچنین از بروج او
کو قصار مفصل ای فاو

رغبا شد حدیث اهل ملل
این پنجاه شصت آیت دان
کثرت اشتغال و قلت وی
در خلاصه و غیر با این است
خوانده اند در نماز فجر آنست
سوره یوسف آنکه خواند عمر
تا که بردی گرستن فهد
میتوانند خواند مثل نهیه
مقتدیه ضعیف حال بود
خواندش و بشوا نیک اندک
بل طوال تو علوی و سطی
آمده باد اشن بجیب
زین دلایل کنند قرات امام
می بخواند امام بالتعیین
گفت در حال باد و فرخ
با دکر نحر از ملال
بل طوال مفصل اند فجر
شام را باد سوره ها قصر
بدرستی ز سوره حجرات
هست تا لم یکن ز اوسط
نیز در بامداد اشهت

الی سوره ...

King Saud University
Copyright © King Saud University